خبرها

اعلام رسمی مذاکره دولت اسپانیا با اتا

فارس: خوسه لوئیس رودریگس ساپاته‌رو رئیس دولت اسپانیا رسماً اعلام کرد دولت این کشور با گروه جدایی طلب باسک، اتا، مذاکره خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از روزنامه ال پائیس رئیس دولت اسپانیا روز پنجشنبه با حضور در پارلمان این کشور گفت: در حمایت از قطعنامه مصوب ماه مه سال ۲۰۰۵ توسط نمایندگان کنگره اعلام می کنم که دولت مذاکره با اتا را آغاز خواهد کرد. ساپاته‌رو بدون اشاره به تاریخی مشخص برای گفت‌وگو با اتا افزود، این امر با پایبندی به اصل غیرقابل اغماض حل مسائل سیاسی از طریق مذاکرات نمایندگان قانونی مردم صورت خواهد گرفت. رئیس دولت سوسیالیست اسپانیا با ادای احترام نسبت به قربانیان تروریسم در اسپانیا و تقدیر از تلاش های دولت های گذشته تاکید کرد دموکراسی برای کسب صلح هیچ بهای سیاسی ای پرداخت نخواهد کرد. ساپاته‌رو به علاوه تصریح کرد، روند مذاکرات و رسیدن به صلح با اتا طولانی و دشوار خواهد بود. در پی اعلام رسمی مذاکره دولت اسپانیا با جدایی طلبان باسک همه احزاب سیاسی به جز حزب مردمی به ریاست «ماریانو راخوی» از موضع ساپاته‌رو حمایت کردند. ماریانو راخوی تاکید کرد حزب او در مذاکرات دولت با اتا شرکت نخواهد کرد. راخوی افزود: اگر دولت اسپانیا در موضع خود مبنی بر گفت‌وگو با اتا تجدیدنظر نکند از پشتیبانی حزب مردمی برخوردار نخواهد شد. رئیس حزب مردمی اسپانیا تاکید کرد از زمان اعلام آتش بس اتا در ۲۲ مارس گذشته تاکنون هیچ تغییری در موضع مخالف این حزب برای مذاکره با یک گروه تروریست ایجاد نشده است.

خروج نیروهای رومانی از عراق

مهر: کالین تاریشانو نخست‌وزیر رومانی گفت کشورش قصد دارد به دلیل هزینه‌های مالی و ناامنی، نیروهایش را از عراق خارج کند. به گزارش خبرگزاری فرانسه نخست‌وزیر رومانی گفت که از شورای عالی دفاع این کشور خواهد خواست تا تصمیم خروج نیروهای رومانی از عراق را اتخاذ کند و وزیر دفاع را برای درخواست از شورای عالی دفاع مامور کرده است. وی درباره دلایل این تصمیم ناگهانی به اقدام‌های مشابه شماری از کشورها در دوره اخیر مانند ایتالیا اشاره کرد. نظامیان رومانی تحت رهبری ایتالیا در عراق فعالیت می کنند. تاریشانو گفت که رومانی به وظایف خود به عنوان عضو پیمان ناتو در چارچوب ماموریت‌های این پیمان و سازمان ملل و یا اتحادیه اروپا عمل خواهد کرد اما در ماموریت‌های دیگر شرکت نخواهد کرد. این اولین باری است که رومانی هم پیمان آمریکا در عراق، فراخوانی ۸۹۰ نظامی خود از عراق را مطرح می کند و این در حالی است که رئیس جمهوری این کشور در ماه های اخیر بارها اعلام کرده بود که نظامیان رومانیایی تا زمان نیاز در عراق خواهند ماند. آمریکا و انگلیس از تصمیم دولت رومانی شگفت‌زده شده‌اند و سفیر انگلیس در رومانی خواستار توضیح بیشتر دولت رومانی شده است.

مخالفت با نخست‌وزیری تیموشنکو

ایلنا: نمایندگان احزاب تحت حمایت روسیه از تشکیل جلسه پارلمان این کشور جلوگیری کردند. روزنامه مسکو تایمز نوشت نمایندگان احزاب تحت حمایت روسیه از دادن رای به «یولیا تیموشنکو» رهبر «بلوک یولیا تیموشنکو» برای احراز سمت نخست‌وزیری و همچنین اعطای مقام ریاست مجلس به حزب «اوکراین ما» به رهبری «ویکتور یوشچنکو» رئیس جمهوری اوکراین خودداری کردند. برای دومین روز پیاپی نمایندگان حزب مناطق به رهبری «ویکتور یانوکوویچ» نخست‌وزیر پیشین اوکراین که بیشترین آرا را در انتخابات پارلمانی به دست آوردند، کنترل پارلمان را در دست گرفتند و اجازه ندادند تا نمایندگان به یولیا تیموشنکو برای کسب مقام نخست‌وزیری و «پترو پتروشنکو» برای کسب ریاست مجلس رای دهند. در همین حال «ویکتور یوشچنکو» رئیس جمهوری اوکراین از احزاب سیاسی خواست تا به مذاکرات ادامه دهند و با انتقاد از قانونگذاران اوکراینی گفت که آرای ۴۸ میلیون از مردم اوکراین را فراموش نکنید.

مونته‌نگرو به عضویت سازمان ملل درآمد

ایسنا: مجمع عمومی سازمان ملل رسماً جمهوری تازه استقلال یافته مونته‌نگرو را به عنوان صد و نود و دومین عضو این سازمان پذیرفت. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس یان الیاسون رئیس مجمع عمومی سازمان ملل اظهار داشت: «من اعلام می کنم که جمهوری مونته‌نگرو به عضویت سازمان ملل درآمد.» الیاسون پس از آن درخواست کرد که «فیلیپ وویانویچ» رئیس جمهور، «میوداگ ولاهویچ» وزیر خارجه و «نبویسکا کالودریوویچ» نماینده ویژه جمهوری مونته‌نگرو در سازمان ملل به صندلی هایشان در سالن مجمع عمومی راهنمایی شوند. عضویت مونته‌نگرو در سازمان ملل درست یک ماه پس از آن صورت می گیرد که مردم این جمهوری کوچک حوزه بالکان به استقلال از صربستان رای دادند.

افزایش محبوبیت محافظه‌کاران انگلیس

ایلنا: دیوید کامرون رئیس حزب محافظه‌کار انگلیس تنها رهبر مخالف دولت است که می تواند به تونی بلر نخست‌وزیر کنونی انگلیس ضربه بزند. رویترز گزارش داد: «طبق آخرین نظرسنجی منتشر شده توسط روزنامه انگلیسی «دیلی تلگراف» ۳۰درصد از مردم انگلیس معتقدند که «دیوید کامرون» رهبر حزب محافظه‌کار انگلیس شایسته کسب مقام نخست‌وزیری است. این در حالی است که ۲۸ درصد نیز همچنان بلر را برای این مقام ترجیح می دهند.» طبق این نظرسنجی ۳۹ درصد از انگلیسی ها در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ انگلیس به حزب محافظه‌کار و ۳۳ درصد به حزب کارگر رای خواهند داد. از زمان ورود «تونی بلر» به خانه شماره ۱۰ داونینگ استریت این اولین باری است که مردم انگلیس حزب محافظه‌کار را به حزب کارگر ترجیح می دهند. در همین حال ۳۱ درصد از مردم انگلیس معتقدند که «گوردون براون» وزیر خزانه‌داری انگلیس نخست‌وزیر بی نظیری خواهد شد ولی ۲۵ درصد نیز مخالف وی هستند.

رئیس جمهور هائیتی:

پول نمی‌خواهیم، تکنسین می‌خواهیم

رنه پروال

رنه پروال رئیس جمهور ۶۳ ساله هائیتی که حدود چهارماه پیش برای دومین بار به‌عنوان رئیس جمهور انتخاب شد هم‌اکنون راهی اروپا شده و به‌ویژه قصد دارد اتحادیه اروپایی را تشویق به کمک‌های بیشتر به این کشور کند. اما پروال تاکید دارد که بیش از پول به جلوگیری از فرار مغزها نیاز دارد تا آرامش را به کشور سرشار از خشونتش بازگرداند.

■ در شرایطی که آدم‌ربایی و قتل نیروهای پلیس پس از صلح موقت در زمان برگزاری انتخابات، دوباره از سر گرفته شده چه استراتژی‌ای برای مقابله با این ناامنی‌ها دارید؟

من نمی‌خواهم با مقایسه ناامنی‌های هائیتی با سایر کشورها به این سئوال پاسخی آسان بدهم. درابتدا باید ابزار لازم برای مبارزه با جنایات را تقویت کرد. من تایید رئیس پلیس فعلی را به پارلمان سپردم. لازم است یک وزیر امنیت داخلی هم منصوب کنیم و به کمک مینوستا (نیروهای ویژه سازمان ملل برای برقراری ثبات در هائیتی) اوضاع پلیس را ساماندهی کنیم. این مشکل بسیار نگران‌کننده است اما نمی‌توان آن را به یکباره حل کرد. در ابتدا باید ابزارهای لازم را نه فقط در مورد پلیس بلکه برای سیستم قضایی فراهم کرد. به هر حال این آخرین مقاومت فعالان خارج از چارچوب قانون خواهد بود. چه در زمینه جنایات بین‌المللی سازماندهی شده و چه در زمینه جنایات داخلی و قاچاق. پس از آن باید به مسائل اجتماعی پرداخت. ما برنامه‌ای برای بهبود اوضاع اجتماعی داریم که می‌تواند اشتغال‌زایی و پیشبرد برنامه خلع سلاح در کشور را در پی داشته باشد. اما دولت هائیتی بسیار ضعیف است و به همین دلیل به کمک مینوستا نیاز دارد.

■ بازگشت ناآرامی‌ها انگیزه سیاسی دارد یا اینکه جنایات و تخطی از حقوق عمومی است؟

فکر نمی‌کنم که انگیزه‌هایی سیاسی مطرح باشد.

■ مینوستا متهم شده بود که با ناآرامی‌ها مقابله نمی‌کند. از این نیروها چه انتظاری دارید؟

وقتی مینوستا به اینجا رسید دولت سقوط کرده بود و اوضاع بسیار ناآرام بود. وظیفه مینوستا هم برقراری نظم بود. ما در حال مذاکره برای بازتعریف مدت زمان ماموریت آنها هستیم. دیگر ماموریت آنها برقراری صلح نیست بلکه حفظ صلح و کمک به تقویت نهادهای داخلی تا آماده شدن شرایط عزیمت آنها است. دولت باید بیش از گذشته در صحنه حاضر باشد و مینوستا نه تنها باید عملکردش با توافق دولت باشد بلکه می‌گویم باید تحت نظارت دولت هائیتی عمل کند. ما با آنها مذاکره خواهیم کرد تا مشخص شود به چه شیوه‌ای می‌توانند در تقویت پلیس و قوه قضائیه به ما کمک کنند.

■ چه تدابیری برای مبارزه با فساد و قاچاق اتخاذ کرده‌اید؟ دستگیری مدیر UCREF (واحد مرکزی اطلاعات اقتصادی) به تردیدهایی دامن زده است...

آقای ژان- ایو نوئل هنوز هم مدیر UCREF است. او در مقام خود باقی است و هرگز دولت قصد ندارد برایش جایگزینی تعیین کند. وانگهی نوئل در زمان نخست‌وزیری ژاک ادوارد آلکیس دستگیر نشد. من دولت قبلی را متهم نمی‌کنم اما می‌گویم که در آن زمان ما کنترل کاملی بر دولت نداشتیم. به اعتقاد ما در زندان ماندن او درست نبود. اگر شکایتی هم علیه او هست باید خارج از زندان مورد بررسی قرار گیرد. سیستمی برای کنترل فساد مورد نیاز است.

وجود یک فرد شریف کافی نیست، به سیستمی هم نیاز داریم که امکان دهد مطمئن شویم فساد وجود ندارد. به‌عنوان مثال به مکانیسم بازار شفافی نیاز است و یک روش واحد به‌طوری که وقتی یک سرمایه‌گذار از راه می‌رسد، ناچار نباشد با ۵۰، ۶۰ روش روبه‌رو شود. باید راهکارهایی ساده، شفاف و واقعی داشته باشیم.

■ پرونده شخصیت‌هایی مثلاً ایوون نپتون (نخست‌وزیر در دوره ریاست جمهوری ژان برتران آریستید) که در زندان به سر می‌برند چه می‌شود؟

ما به تفکیک قدرت احترام می‌گذاریم. دستگاه اجرایی نباید در امور قضایی مداخله کند. با این حال رئیس جمهور ضامن عملکرد نهادها است. این هفته من با لوئی ژوانه (کارشناس سازمان ملل در زمینه حقوق بشر در هائیتی) گفت‌وگو کردم و قرار است در فرانسه نیز با او دیداری داشته باشم تا مشخص شود کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد چگونه می‌تواند در امور قضایی و حقوق بشر به ما کمک کند.

■ پس از تشکیل دولت جدید و آغاز جو مذاکرات شفاف، حالا روابط شما با آریستید، رئیس جمهور سابق و حزب او چگونه است؟

به هنگام مبارزات انتخاباتی من به حرف‌های مردم گوش می‌کردم. آنها می‌خواهند که همه در کنار هم باشند. ۲۰ سالی است که مردم هائیتی رای می‌دهند و هنوز هم به نتیجه‌ای مثبت و ملموس دست نیافته‌اند. به همین دلیل است که از طبقه سیاسی هم خواسته‌اند تا در کنار هم باشند. من در تبلیغات انتخاباتی‌ام هم گفتم که اگر رئیس جمهور شوم با همه به جز قاتل‌ها، دزدها و قاچاقچیان مواد مخدر مذاکره می‌کنم. این کاری است که انجام می‌دهم و فکر می‌کنم مردم از من انتظارش را دارند. ما گفت‌وگو با بخش‌های سیاسی حاضر در پارلمان را آغاز کرده‌ایم اما باید این گفت‌وگوها را به سایر بخش‌های سیاسی و انجمن‌های شهری هم تسری دهیم.

■ اما کسانی را که دیدیم با سرو صدای زیاد خواستار بازگشت رئیس جمهور سابق بودند (به‌ویژه در روز ۱۴ مه و به هنگام ادای سوگند رئیس جمهور پروال).

پاسخ من بسیار ساده است. طبق قانون اساسی هیچ شهروندی برای خروج از کشور و بازگشت نیازی به روادید ندارد. پس پاسخ این مسئله به من ربطی ندارد.

■ پیمان حکومت ۲۵ ساله و برنامه توسعه اجتماعی شامل چه نکاتی است؟

این پیمان روشی است برای دعوت مردم به تفکر با هم. این روش نشان می‌دهد که اگر نگاهی طولانی مدت نداشته باشیم نمی‌توانیم کشور را بسازیم. مثلاً اگر شهرهای بزرگ هائیتی، به‌ویژه شهرهای ساحلی را در نظر بگیریم که به واسطه برخی تولیدات کشاورزی توسعه یافته‌اند می‌بینیم که این شهرها از جمله پورتوپرنس دیگر ظرفیت رشد ندارند و اگر از این مسئله غافل شویم تنها بر تعداد حلبی‌آبادها افزوده می‌شود. بنابراین به توافق ملی و تفکر ملی نیاز است و همه باید در طرح توسعه درازمدت سهیم باشند.

■ آیا ساختار، برنامه، دبیرخانه یا فکر خوبی دارید که قرار است غیررسمی باشد؟

یک فکر خوب که تاکنون نتیجه‌بخش هم بوده است، یک طرح که رای اکثریت پارلمان را به‌دست نیاورده است و البته مخالفی هم نداشته است. این طرح جدید، ساختاری است. پیش از این دو ساختار وجود داشت. ساختار پارلمانی و ساختار دولتی. من پیشنهاد یک فراساختار برای تفکر سیاسی را مطرح کردم با حضور کارشناسانی در زمینه‌های مختلف. این ساختار می‌تواند ساختار سیاسی را از نظر فکری تغذیه کند و پیشنهاد نهادهای سیاسی را شکل دهد. ما کار با کلیساها را آغاز کرده‌ایم. همچنین در مورد آموزش و بهداشت با پروتستان‌ها هم گفت‌وگو خواهیم کرد. کافی است حسن نیت داشته باشیم و روشن عمل کنیم تا بتوانیم با هم کار کنیم.

■ در مورد توسعه اجتماعی چه؟

باید افرادی سخت‌کوش را به کار گیریم و کارهایی ساختاری و دائمی انجام دهیم. ۱۵ میلیون دلار بودجه نیز برای این کار کنار گذاشته شده است. این سهمی است که هائیتی اختصاص داده است. ما قصد داریم مذاکراتی نیز انجام دهیم و با کمک وام‌ها و منابعی که داریم به صدها طرح خود جامه عمل بپوشانیم.

■ ارزیابی شما از کمک‌های بین‌المللی چیست؟ گفته می‌شود ۷۰۰ میلیون دلار از ۱/۳ میلیارد دلاری که وعده داده شده بود به مصرف رسیده است.

مشکل اصلی با کمک‌های بین‌المللی این است که اعطاکنندگان آنها هرچه دارند پیشنهاد می‌دهند و هائیتی برنامه‌ای ندارد. اگر برنامه‌ای داشتیم می‌توانستیم از کمک‌کنندگان بخواهیم هرچه لازم به‌نظر می‌رسد بدهند به همین دلیل است که وقتی در آرژانتین بودم و آقای کرچنر (رئیس جمهور) از من پرسید «چه کاری می‌توانیم برای هائیتی انجام دهیم؟» پاسخ دادم: «آقای رئیس جمهور! مشکل من این است که نمی‌دانم.» ما با فرار مغزها مواجهیم. سازمان‌های غیردولتی هزاران نفر از بهترین متخصصان ما را به کار می‌گیرند و پول بیشتری به آنها می‌دهند. من وقتی دیدم کسی مثل فرانتز ورلا کارش در بانک توسعه آمریکا با آن درآمد بالا را رها کرد و وزارت را پذیرفت تعجب می‌کنم. ما برای توسعه به متخصصانی نیاز داریم. چند روز پیش در دیدار با یکی از فرستادگان صندوق بین‌المللی پول گفتم که دیگر برایم پول نفرستند بلکه متخصص بفرستند. در دوره اول ریاست جمهوری‌ام از رئیس صندوق بین‌المللی پول خواستم که طی برنامه‌ای برایمان تکنسین استخدام کنند. وزیر دارایی فعلی نیز در چارچوب همین برنامه به اینجا آمد. ما در آن زمان حدود ۲۵ تکنسین داشتیم صندوق بین‌المللی ماموریت داشت که برایمان تکنسین پیدا کند و بانک جهانی و سایر کمک‌کنندگان به آنها طبق تعرفه‌های خارجی حقوق می‌دادند. به‌نظر من اگر به فکر توسعه هستیم باید تکنسین پیدا کنیم. کمک‌کنندگان کارهای زیادی انجام می‌دهند. بانک جهانی در امور امنیت راه‌ها، بهداشت، آموزش، دادگستری، پلیس و... وارد می‌شود. اتحادیه اروپایی و... نیز به همین کارها می‌پردازند و البته روش‌های متفاوتی در پیش می‌گیرند. به‌نظر می‌رسد کار دولت ایجاد هماهنگی میان این نهادها شده است. ما می‌گوییم کارها باید ساده‌تر شود و هر نهادی مسئول کاری شود. ما ظرفیت ایجاد هماهنگی میان آنها را نداریم.

■ نتیجه سفرهایتان به قاره آمریکا از شیلی تا کانادا چه بود؟

اولین نتیجه قرار دادن هائیتی در جریان اخبار بود. دوم اینکه وضعیت هائیتی را به آنها توضیح دادیم و سوم ایجاد یک کمیسیون ABC در چارچوب گروه ABC (آرژانتین- برزیل- شیلی) برای کمک به دولت هائیتی و توسعه آن بود.

■ از سفر به اروپا و به‌ویژه فرانسه چه انتظاری دارید؟

در ابتدا می‌خواهم درک بهتری از وضعیت هائیتی ارائه دهم. این مهمترین نکته است چه در اتحادیه اروپایی در بروکسل و چه در فرانسه. من در همه سفرهایم هائیتیایی‌هایی را که در خارج هستند فراموش نمی‌کنم. امروزه حدود یک سوم مردم ما در خارج به‌سر می‌برند. آنها حدود ۴ میلیون نفر هستند که می‌توانند ۲۰ تا ۲۵ درصد در تولید ناخالص ملی تاثیر داشته باشند. آنها در سفرهایشان و آموزش فرزندانشان سالانه بالغ بر ۱/۳ میلیارد دلار پول خرج می‌کنند. اگر آنها بیشتر به هائیتی بیایند می‌توانیم بیش از کمک‌های بین‌المللی پول به‌دست بیاوریم. من در اولین مرحله سفرم به میامی در کنفرانس توریسم شرکت کردم که بسیاری از مردم هائیتی که در فکر توریسم هائیتی هستند در آن شرکت داشتند.

منبع: لوموند

در پی اختلاف مربوط به مسئله مهاجرت

دولت هلند سقوط کرد

گروه بین‌الملل: «یان پیتر بالکننده» نخست‌وزیر هلند روز گذشته رسماً استعفای دولت خود را تقدیم بئاتریس ملکه این کشور کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه استعفای دولت هلند یک روز پس از آن مطرح می‌شود که حزب کوچک‌تر ائتلاف دولتی (D66) به دلیل مشکلات ایجاد شده با وزیر تندروی مهاجرت هلند به حمایت خود از دولت پایان داد. این رویداد پس از بروز اختلافاتی درباره نحوه برخورد «ریتاوردانک» وزیر مهاجرت هلند با پرونده اعطای حق شهروندی این کشور به «ایان هیرسی علی» نماینده سابق پارلمان و پناهنده اهل سومالی صورت گرفت. مسئله از آنجا آغاز شد که گزارش‌های انتشاریافته نشان داد خانم هیرسی علی با توسل به دروغ‌گویی تابعیت هلند را دریافت کرده است. هیرسی علی ۳۶ساله که فیلمنامه «انقیاد» با موضوع زنان در اسلام را نوشت، پس از آنکه «تئو ون گوگ» کارگردان این فیلم در سال ۲۰۰۴ ترور شد، در کانون توجه رسانه‌ها قرار گرفت و اکنون نیز همچنان مخفیانه و تحت تدابیر شدید امنیتی زندگی می‌کند. او سال ۱۹۹۲ پس از ارائه هویت جعلی و با پنهان‌کردن سالیان زیاد زندگی در کنیا به مقامات دولت هلند گفت که به دلیل فشار زیاد بر زنان سومالی از این کشور گریخته است و درحالی که نام اصلی‌اش «مگدان» بود «علی» را به عنوان نام فامیلش اعلام کرد تا پیشینه‌اش مخفی بماند. او پس از ورود به هلند موفق به دریافت شهروندی این کشور شد و در سال ۲۰۰۳ به مقام نمایندگی مجلس هلند رسید. او ماه گذشته پس از دریافت حکم اخراج از هلند اعلام کرد یک موسسه پژوهشی آمریکایی در واشینگتن به او پیشنهاد کار داده است. ملکه هلند اکنون پس از استعفای دولت این کشور با رهبران احزاب سیاسی در پارلمان رایزنی خواهد کرد تا درباره برگزاری انتخابات آزاد یا تشکیل دولت موقت ائتلافی توسط حزب سوسیال دموکرات به رهبری بالکننده همراه حزب لیبرال VVD تصمیم بگیرد. انتظار می‌رود انتخابات جدید تا ماه سپتامبر یا اکتبر (شهریور یا مهر) برگزار شود که احتمالاً هلند شاهد گرایش سیاسی بیشتر به سوی چپ‌ها خواهد بود. طبق برنامه انتخابات هلند باید در ماه مه سال ۲۰۰۷ برگزار می‌شد. سه ماه قبل رای‌دهندگان هلندی در انتخابات محلی از احزاب چپ‌گرا حمایت کردند و احزاب راست مخالف مهاجرت را رد کردند. در آن انتخابات احزاب راست میانه حاکم به ایجاد رکود اقتصادی متهم شدند. نتایج یک نظرسنجی که روز پنجشنبه گذشته منتشر شد نشان داد که دموکرات مسیحی‌های حزب بالکننده شش کرسی از ۴۴ کرسی خود در پارلمان را از دست خواهند داد. این نظرسنجی همچنین حاکی از این بود که حزب D66 (حزب کوچکی که از ائتلاف دولت کنار کشید) نیمی از کرسی‌هایش را از دست خواهد داد. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد که حزب مخالف دولت هلند، حزب کارگر، با ۴۲ کرسی بزرگترین حزب پارلمان خواهد شد، اما توانایی تشکیل یک ائتلاف حاکم چپ‌گرا توسط حزب کارگر محل تردید است. از سال ۲۰۰۲ نگرانی‌های مربوط به مسائل امنیتی و مهاجرتی باعث سقوط سه دولت در این کشور شده است. همین نگرانی‌ها بود که در سال ۲۰۰۳ باعث شد دولت راست میانه بالکننده قدرت را در دست بگیرد و ائتلاف شکننده‌ای را شکل دهد. نخست‌وزیر هلند پیش از تقدیم استعفایش به ملکه گفت: «فکر می‌کنم سیاست‌های اصلاحی‌مان را به خوبی هدایت کرده‌ایم. در چند سال گذشته دستاوردهای زیادی داشتیم که می‌توانیم به آن افتخار کنیم. شرم‌آور است که کابینه با اقدام حزب D66 به این صورت سقوط کند.»

ریتاوردانک، وزیر مهاجرت هلند

دیوان عالی آمریکا محاکمه زندانیان گوانتانامو را غیرقانونی خواند

گروه بین‌الملل: دیوان عالی آمریکا روز پنجشنبه حکم داد که دولت جورج بوش رئیس جمهور آمریکا، اختیارات لازم برای محاکمه نظامی مظنونین اقدامات تروریستی در بازداشتگاه گوانتانامو را ندارد. به گزارش خبرگزاری فرانسه قضات دیوان عالی آمریکا به این نتیجه رسیدند که دادگاه‌های ایجاد شده توسط دولت آمریکا، نقض کنوانسیون ژنو درباره رفتار با زندانیان جنگی است. این حکم پیامدهای گسترده‌ای در ارتباط با نحوه عملکرد آمریکا در جنگ با ترور و آینده بازداشتگاه‌های خارجی این کشور خواهد داشت. دادگاه عالی طی حکمی که پس از رای یک دادگاه تجدیدنظر صادر و طی آن دادگاه‌های نظامی قانونی خوانده شد، اعلام کرد: «حکم دادگاه تجدیدنظر باطل است و این پرونده مورد بررسی‌های بیشتری قرار می‌گیرد.» این دادگاه با پنج رای مخالف در برابر سه رای موافق همچنین اعلام کرد روندی که در حال حاضر برای محاکمه نظامی زندانیان گوانتانامو در جریان است با کنوانسیون ژنو و قانون اساسی آمریکا مغایرت دارد و غیرقانونی است. به این ترتیب ده محاکمه‌ای که در گوانتانامو در جریان است خاتمه خواهد یافت و ۶۰ محاکمه دیگری که قرار بود برپا شود، انجام نخواهد شد. اما به گزارش بی‌بی‌سی حکم دیوان عالی به این معنی نیست که بازداشتگاه نظامی آمریکا و گوانتانامو کوبا به زودی بسته خواهد شد یا اینکه زندانیان آن آزاد خواهند شد. این رای به دولت بوش این فرصت را می‌دهد که راه دیگری را برای محاکمه زندانیان پیدا کند. به همین دلیل سناتورهای جمهوریخواه بلافاصله پس از صدور حکم دست به کار شده‌اند تا تایید کنگره را برای برگزاری دادگاه‌های جدید بگیرند. جورج بوش هم اعلام کرد که برای حل و فصل مشکل ایجاد شده با کنگره همکاری خواهد کرد و تضمین کرد که «اجازه نخواهد داد قاتلین در خیابان‌ها قدم بزنند.» با این حال رئیس جمهور آمریکا گفت که تصمیم‌های دیوان عالی را بسیار جدی تلقی می‌کند. بوش پیش از این به رهبران اروپایی گفته بود که او نیز خواهان تعطیلی بازداشتگاه گوانتانامو است، اما در این باره منتظر حکم دادگاه برای نحوه محاکمه زندانیان می‌ماند. «تونی اسنو» سخنگوی کاخ سفید نیز گفت: «تا زمانی که این حکم را بررسی نکنیم، هیچ اظهارنظری نخواهیم کرد. این حکم به معنای صدور کارت خروج از زندان برای کسی نیست.» حکم دادگاه عالی آمریکا در پی مخالفت راننده سابق بن لادن با حضور در دادگاه نظامی و پرونده‌ای که وکلایش در این زمینه برای رسیدگی در دیوان عالی فراهم کردند، صادر شد. «سالم احمد حمدان» تبعه یمن پیش از دستگیری و زندانی شدن در گوانتانامو، راننده و محافظ اسامه بن لادن رهبر القاعده بود و یکی از ده نفری است که در انتظار تشکیل دادگاه نظامی در گوانتانامو بودند.

■ واکنش‌ها

روزنامه‌های واشینگتن پست و نیویورک تایمز روز جمعه از تصمیم دادگاه با عنوان «پیروزی قانون» استقبال کردند در حالی که روزنامه فوق محافظه‌کار واشینگتن تایمز از این حکم به‌عنوان محدودیتی خطرناک برای اختیارات رئیس جمهور یاد کرد. سخنگوی کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل نیز با استقبال از حکم دادگاه عالی آمریکا گفت: «این حکم اهمیت حقوق اساسی زندانیان مظنون به ارتکاب عملیات تروریستی را متذکر می‌شود.» «تیری دیوی» دبیرکل سازمان شورای اروپا هم حکم مذکور را پیروزی عدالت بر اقدامات غیرعاقلانه دولت آمریکا خواند و اعلام کرد: «اقدام آمریکا در قربانی کردن حقوق اولیه انسانی و خیانت به آزادی به بهانه ایجاد امنیت، موضع دفاعی این کشور در جهان را تضعیف کرده است. ایجاد دادگاه‌های نظامی برای زندانیان گوانتانامو نه تنها موجب جدایی متحدان آمریکا از این کشور شده، بلکه اتحاد دشمنان جنگ با تروریسم را به دنبال داشته است.» «جان هاوارد» نخست‌وزیر استرالیا یکی از نزدیک‌ترین هم‌پیمانان جورج بوش در جنگ با ترور نیز گفت: «با صدور حکم دیوان عالی آمریکا درباره دادگاه‌های نظامی گوانتانامو، واشینگتن باید هر چه سریع‌تر راه‌حل محاکمه زندانیان در این بازداشتگاه را ارائه کند.»

نگاه

نقدی بر پخش اخبار اعتراض علیه بوش

محمود فاضلی بیرجندی

اخبار سفر دوره‌ای جورج بوش رئیس جمهوری آمریکا به کشورهای اروپایی در هفته گذشته از رسانه‌های گوناگون پخش شده است. در کنار این اخبار، خبرهای دیگری از اعتراض به سفر رئیس جمهوری آمریکا نیز از سوی بنگاه‌های خبری مختلف دنیا منتشر می‌شود. به صورتی که گویی خبرهای مخالفت و اعتراض با اخبار سفر بوش لازم و ملزوم یکدیگرند. اما بخش اخیر اخبار این سفر همچون سفرهای دیگر رئیس جمهوری آمریکا در برخی از رسانه‌ها با غلظت خاصی منتشر می‌شود تا آنجا که بدون اعلام اخبار سفر و جوانب مختلف آن، مخاطب را مستقیماً به سراغ اعتراضاتی می‌برند که به این سفر صورت گرفته است. در این شیوه انتشار خبر، سعی می‌شود تا سفر رئیس جمهوری آمریکا موجب فوران خشم و نفرت مردم کشورهایی معرفی شود که وی پا به آنجا گذاشته است تا بدان حد که گویی این سفر و نظایر آن، اصولاً هدفی جز برآشفتن ملل مختلف و کبریت کشیدن به انبار خاموش خشم و نفرت آنها از شخص بوش و سیاست‌های دولت متبوع وی ندارد. این نوشته کاری به موقعیت دولت آمریکا و جایگاه رئیس جمهوری آن کشور چه در خود آن سرزمین و چه در دیگر کشورهای دنیا ندارد و صاحب این قلم مدعی شناخت و تفسیر این مسائل نیست بلکه این نوشته برای بیان تاملاتی در شیوه انعکاس خبرهای مورد نظر در پاره‌ای رسانه‌های داخلی است. یکی از پایه‌های اصلی نگاه این رسانه‌ها به همتایان مغربی خود ترویج عنوان «امپریالیسم خبری» است. در ذیل این عنوان، رسانه‌های مغرب‌زمین پیشرو، ادامه‌دهنده و همکار برنامه‌ها و اهداف «امپریالیسم» و «نظام سلطه جهانی» معرفی می‌شوند به انتقاد از این نگاه نمی‌پردازیم که نافی موجودیت هرگونه فعالیت خبری در بخش خصوصی هستند و بسیط انگاری‌ای را در بطن خود می‌پرورند. با نگاهی به چنین شیوه خبررسانی پیرامون موضوعاتی از جمله سفرهای خارجی بوش این پرسش در ذهن شکل می‌گیرد که آن امپریالیسم خبری که جهانی را زیروزبر می‌کند چرا هر بار در مواقع سفر رئیس جمهور آمریکا به کشورهای دیگر تا بدان پایه ساده‌لوح می‌شود که با انتشار اخبار اعتراض به وی، مایه آبروریزی بیش از پیش نظام سلطه جهانی شده و بوش و دولتش را چندین برابر رسواتر می‌سازد؟ آیا این جالب‌توجه نیست و از طرفی «امپریالیسم خبری» هیچ تلاشی برای سرپوش نهادن بر این رسوایی‌ها از خود بروز نمی‌دهد؟ اگر اندک دقتی کنیم ملاحظه می‌شود همه خبرهایی که از اعتراض به بوش با آن شدت و دامنه زیاد منتشر می‌شود تکرار خبرهایی است که از جانب همان امپریالیسم خبری منتشر شده است. حتی در لابه‌لای همان خبرهایی که از سوی امپریالیسم منتشر شده این را نیز می‌بینیم که خانم سیندی شیهان از معترضان طراز اول آمریکا به شخص بوش و سیاست‌هایش نیز همزمان با سفر بوش به اروپا، به قاره سبز آورده شده تا اعتراضات را جلوه و جلای افراطی‌تری بدهد. پرسش دیگر این است که آیا دستگاه‌های مجهز پلیس و اطلاعات و امنیت در غرب نمی‌توانند اعتراضات را شناسایی کرده و مانع برپایی آن شده یا حتی در حین وقوع، آن را سرکوب کنند. آیا «امپریالیسم خبری» نمی‌تواند آن را لاپوشانی کند تا سفرهای بوش با آراستگی و شکوه هر چه تمام‌تر به انجام برسد و اخبار مربوط به آن نیز با ابهت و به صورتی درخور نظام سلطه پخش شود؟ پس اشکال کار در کجا است و امپریالیسم خبری واقعاً چه تعریفی دارد؟ آیا این همان دستگاه خبری نظام سلطه جهانی است که گاه به گاه مبتلا به مقادیری ناتوانی در تشخیص منافع خود می‌شود؟ یا نه. باید در مبانی نگاه خود به دنیای پیرامون تجدیدنظر کنیم. این موضوع را با احتیاط باید طرح کرد که شاید، می‌گوییم شاید، اشکالاتی در این نگاه ما به خبرها و رویدادهای خبری غرب باشد. شاید غرب مثلاً به آدمی و حقوق او نگاه دیگری داشته و از جمله او را دارای حق اعتراض می‌شناسد. شاید غرب به این مهم وقوف داشته باشد که باز گذاشتن مجاری اعتراض، موجب تخلیه اعتراضات انباشته شده در بطن اجتماع می‌شود. شاید اینقدر باشد که انعکاس اخبار اعتراضات، حتی پیشدستی در انتشار آن موجب جلب ناراضیان و سازماندهی و سوق‌دادن آنان به مسیرهای مورد نظر می‌شود به نحوی که همه ناراضیان و همه نارضایتی‌ها از عمق به سطح آمده و ضمن آنکه تخلیه می‌شوند، قابل شناسایی شوند. شاید غرب با این روش در پی آن است که مانع زیرزمینی شدن اعتراض شود و سرنخ‌های آن را تا حد ممکن در اختیار داشته باشد تا اعتراض‌ها و معترضان در نقاط کور استقرار نیابند. نیز اگر اندکی دقت کنیم درخواهیم یافت که خبرهای سازمان یافتن اعتراضات حتی روزها قبل از سفر بوش از همان رسانه‌های متعلق به «امپریالیسم خبری» پخش می‌شود و برخی همکاران رسانه‌های خاصی در داخل نیز بی‌درنگ آن را به عنوان سند پیشینی بر بی‌اعتباری امپریالیسم آمریکا منتشر می‌کنند. این احتمال را بدهیم که این از حسن‌تدبیر دستگاه‌های امنیتی غرب است که حتی پیشاپیش با انتشار این قبیل خبرها کاری می‌کنند که هرگونه اندیشه اعتراض از همان ابتدا به راه توطئه نرود و بلکه با آگاهی یافتن از وجود فعالیت‌های سازمانی اعتراض خود را به طریقی به آنها پیوند دهد تا با گسترده‌تر کردن آن بتواند بیشتر به خواسته خود مبنی بر اعتراض جامه عمل بپوشد. آوردن خانم سیندی شیهان از آمریکا به اروپا یا نقاط دورتر و تقبل هزینه‌های سفر او هر چه گران‌تر در همین چارچوب است و بس. سفر خانم شیهان هر چقدر هزینه داشته باشد با آثاری که بر جلب و جهت‌دهی و تجمیع ا